



پنجشنبه 11 تیر 1394 - 07:27

### جرار رهبر انقلاب به آزانس اعتماد ندارند

مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام در تیرماه 1394 بیاناتی در خصوص موضوع هسته‌ای ایراد فرمودند و از جمله اظهار داشتند: «ما به آزانس بدبینیم، آزانس نشان داده که هم مستقل نیست و هم عادل نیست. مستقل نیست زیرا تحت تاثیر قدرتهاست، عادل نیست (چون) بارها و بارها برخلاف عدالت حکم کرده و نظر داده. به علاوه، اینکه بگویند «آزانس باید بیاید اطمینان پیدا کند که فعالیت هسته‌ای در کشور نیست» یک حرف غیرمعقولی است.»

### گزارش مستند کیهان از عهدشکنی‌های آزانس

#### جرار رهبر انقلاب به آزانس اعتماد ندارند

مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام در تیرماه 1394 بیاناتی در خصوص موضوع هسته‌ای ایراد فرمودند و از جمله اظهار داشتند: «ما به آزانس بدبینیم، آزانس نشان داده که هم مستقل نیست و هم عادل نیست. مستقل نیست زیرا تحت تاثیر قدرتهاست، عادل نیست (چون) بارها و بارها برخلاف عدالت حکم کرده و نظر داده. به علاوه، اینکه بگویند «آزانس باید بیاید اطمینان پیدا کند که فعالیت هسته‌ای در کشور نیست» یک حرف غیرمعقولی است.»

در ذیل ضمن ارائه تاریخچه‌ای از همکاری‌های ایران از جمله در بخش نظامی، دلایل این بی‌اعتمادی به آزانس را بررسی می‌کنیم.

#### 1- از آلودگی تا پروتکل

پس از شروع بحران بین ایران و آزانس در زمستان سال 1381، اولین گزارش آزانس در باره برنامه هسته‌ای ج.ا.ا در تاریخ 6 ژوئن 2003 و اولین قطعنامه در شورای حکام علیه ایران در تاریخ 12 سپتامبر 2003 صادر شد. در اولین گزارش‌های آزانس تنها نگرانی که آزانس اظهار می‌کرد، وجود آلودگی در مراکز هسته‌ای ج.ا.ا بود به طوری که در چهارمین گزارش در 82/12/5 (24 فوریه 2004) Gov/2004/11/para 75، ضمن اشاره به نگرانی از عدم اشاره به سانتریفیوژ P2 و نگرانی از هدف تولید پولونیوم 210، این جمله را البرادعی در بند 75 نوشت: «تا آلودگی با غنای بالا و پائین حل نشود؛ خیلی مشکل است که آزانس تأیید کند هیچ مواد یا فعالیت اظهار نشده‌ای وجود ندارد.» در حالی که در گزارش‌های بعدی که موضوع آلودگی حل شد؛ آزانس این جمله را به نحو دیگری عوض کرد و گفت: «تا ایران پروتکل را اجرا نکند؛ آزانس نمی‌تواند فقدان مواد یا فعالیت‌های اظهار نشده را تایید کند!»

پس از اینکه ایران پروتکل را اجرا کرد، باز آزانس پا را فراتر گذاشت و در بند 49 و 50 گزارش دوم سپتامبر 2005 (Gov/2005/67) مجدداً حرف خود را عوض کرد و ضمن اعتراف به اینکه آزانس صلاحیت رسیدگی به غیراز مواد هسته‌ای را ندارد، سپس برای اولین بار اظهار داشت:

«با توجه به سالها پنهانکاری، شفافیت کامل ایران فراتر از پادمان و پروتکل اجتناب ناپذیر است که شامل دسترسی به افراد و اسناد مربوط به تدارکات، تجهیزات دو منظوره، برخی از کارگاههای نظامی و محل‌های تحقیق و توسعه می‌باشد. بدون چنین شفافیت، توانمندی آزانس به ویژه برای تهیه کرونولوژی تحقیق و توسعه غنی‌سازی را که برای راستی آزمائی صحت و کامل بودن اظهارات ایران، محدود خواهد بود.»

ایران برای حسن نیت، درخواست‌های فوق‌الذکر آزانس را هم اجابت کرد و به افراد و اسناد مربوط به تدارکات دسترسی داد و نیز به کارگاههای مورد نظر آزانس (از جمله چند کارگاه نظامی که تولید قطعات سانتریفیوژ می‌کردند) و آزانس به این دسترسی‌ها اعتراف کرد و تشکر نمود. جالب این جاست که دسترسی‌ها به بخش نظامی (مانند پارچین، کلاهدوز، لویزان) و مذاکرات مربوط به آنها را آزانس در زیر فصل اجرای پروتکل نمی‌آورد بلکه در یک زیر فصل جداگانه به عنوان «مذاکرات و بازدیدهای شفاف ساز» ذکر می‌کرد 1 چون خودش معتقد بود اینها فراتر از پروتکل است. سوال اینجاست که چگونه آزانس در دو مقطع تاریخی متفاوت، دو نوع برداشت از پروتکل می‌نماید؟ اگر بازدید از مراکز نظامی طبق پروتکل نمی‌باشد و فراتر از پروتکل است پس چرا پس از بیانیه لوزان و در روزهای مذاکرات با 1+5، آمانو خود شیرینی می‌کند و این بازدیدها را طبق پروتکل جایز می‌داند؟

اما دنباله ماجرای درخواست‌های غیرقانونی آژانس و دبه در آوردن آن چنین است که بعد از اینکه ایران دسترسی‌های فوق را داد، بازهم آژانس حرف خود را عوض کرد و در تاریخ 27 فوریه 2006 (بند 38 Gov/2006/15) موضوع جدیدی را تحت عنوان مطالعات ادعائی! (شامل نمک سبز، انفجار قوی و موشک فراجوی) مطرح کرد و در بند 53 و 54 گزارش فوق چنین اظهار داشت:

«هرچند آژانس هیچ انحرافی از ایران ندیده است ولی نمی‌توانیم اعلان کنیم که ایران فعالیت اظهار نشده نداشته است! و به دلیل فقدان سند صحیح در باره تولید قطعات سلاح هسته‌ای با توجه به اطلاعات جدید نتیجه گیری در باره ایران زمانبر خواهد بود حتی اگر پروتکل اجرا شود. لذا باید ایران شفافیت کامل فراتر از پادمان و پروتکل داشته باشد!»

2- شیان و لویزان

علیرغم اینکه ج.ا.ا اجازه بازدید مراکز نظامی مانند شیان و موارد مرتبط با آنرا در تاریخ 8-10 تیر 83 (29 ژوئن تا اول ژوئیه 2004) داد و علیرغم همکاری وسیع و اذعان آژانس مبنی بر صحت اظهارات ایران درباره تخریب لویزان و موضوع شمارشگر بدن (Gov/2005/67; para38&39) و عدم یافتن فعالیت ممنوعه در چندین نوبت، متأسفانه آژانس بی‌صدقاتی به خرج داد و پس از گذشت 6 سال، در پیوست گزارش نوامبر 2011 به عنوان «محل فعالیت‌های اظهار نشده» از آن یاد کرد و آن را نشانه «فعالیت‌های نظامی در موضوع هسته‌ای» و «موجب نگرانی» می‌داند!

3- پارچین

پس از چند جلسه که در این رابطه با آژانس در تهران برگزار گردید علیرغم مخالفت‌های اولیه 2 و متعاقب تصمیم شورای عالی امنیت ملی به عنوان اعتمادسازی، در تاریخ 18 دی 83 (7 ژانویه) نماینده ج.ا.ا به وین رفته و در خصوص بازدید از پارچین (نحوه، محل‌ها، چارچوب) با نمایندگان آژانس مذاکره نمودند و در این جلسه آژانس نقشه‌ای از کل سایت پارچین ارائه داد که در آن کل سایت پارچین را به چهار منطقه تقسیم کرده بودند. قرار شد که آژانس از 4 منطقه پارچین یکی را به میل خود انتخاب نماید. آژانس منطقه 1 را انتخاب کرد و از این منطقه نیز تعدادی از ساختمان‌ها (3 ساختمان و 11 محل) را به میل خود انتخاب نمود. سپس در این جلسه چارچوبی برای بازدید تعیین شد و قرار شد این چارچوب را بعد از ظهر همان روز سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین طی یک یادداشت تفاهم برای آژانس ارسال کند. طی این چارچوب از جمله مقرر شد که باید آژانس در صورت فقدان اتهاماتی که زده است، پرونده را ببندد. 3 در تاریخ 23 دی 83 هیأت آژانس به تهران آمد و درباره بازدید روز بعد از پارچین مجدداً مذاکره و بر توافقات وین تأکید شد.

صبح روز 24 دی 83 (13 ژانویه 2005) قبل از بازدید از پارچین، در هتل محل اقامت برای بار سوم بر توافقات وین تأکید شد سپس اجازه حرکت به بازرسین داده شد. سپس طبق ضوابطی بازدید و نمونه‌برداری انجام شد.

علیرغم اینکه آژانس اعلام کرد در پارچین هیچ فعالیت غیرمعمول مشاهده نشد و در نمونه‌برداری نیز چیزی یافت نشد، و بر خلاف توافقات وین مبنی بر اینکه فقط یک بار اجازه بازدید داده میشود، آژانس در 2005/2/7 (83/11/18) درخواست بازدید مجدد را از منطقه 4 پارچین (طبق نقشه فوق‌الاشاره) مطرح نمود و برای تاریخ 22 فوریه زمان تعیین کرد! ایران بطور رسمی در 22 فوریه طی نامه‌ای نوشت که قرار این بود که این آخرین بازدید از پارچین باشد و این درخواست مجدد هیچ توجیهی ندارد. سرانجام با توجه به فشارهای بین‌المللی و گزارش‌های مکرر البرادعی مبنی بر اینکه ایران با بازدید مجدد از پارچین موافقت نکرده است، و قطع نامه سپتامبر 2005 شورای حکام، در تاریخ 10 آبان 84 (اول نوامبر 2005) با موافقت شورای عالی امنیت ملی مبنی بر اینکه این آخرین بار است که اجازه بازدید داده می‌شود، اجازه بازدید دور دوم و آخرین بار داده شد.

در این بازدید از 4 ساختمان و 8 محل دیگر در منطقه 4 بازدید و نمونه‌برداری شد (جمع ساختمانها و محل‌های بار اول و دوم به 26 محل رسید). آقای هاینون در مقابل دکتر لاریجانی (دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت) گفته بود که اطمینان می‌دهد که اگر نتیجه بازدید دوم از پارچین همانند دفعه اول باشد پرونده پارچین برای همیشه بسته خواهد شد.

علیرغم اینکه این بار نیز آژانس اذعان کرد هیچ مورد غیرمعمولی مشاهده نکرد 5 (Gov/2005/87) متأسفانه آژانس باز هم خلف وعده کرد و در گزارش نوامبر 2011 اتهامات جدیدی را به پارچین وارد کرد.

4- نقض تعهدات توسط آژانس در موضوع برنامه کاری یا مدالیتی:

در 21 اوت 2007 (86/5/30)، پیرو ملاقات علی لاریجانی با البرادعی مبنی بر پایان دادن به اتهامات، مذاکراتی در تهران انجام شد که منجر به انعقاد قراردادی معروف به مدالیتی (infcirc/711) یا برنامه کاری (work plan) در خصوص حل مسائل باقی مانده (شامل 6 موضوع p1-p2، آلودگی دانشگاه، پلوتونیوم، پلونیوم 210، معدن گچین و اورانیوم فلزی) و نیز موضوع مطالعات ادعائی گردید.

پس از همکاری ایران، آژانس موارد شش‌گانه فوق را بطور نسبی بست. مثلاً در هجدهمین گزارش البرادعی (Gov/2007/48) موضوع پلوتونیوم را حل شده اعلام کرد و در (Gov/2007/58) زمان دکتر جلیلی، موضوع سانتریفیوژهای p1-p2 را بطور نسبی بست و در بند 12 اعلام کرد نظامی‌ها درگیر برنامه خرید p1 از واسطه‌ها و R&D نبودند. همچنین در بند 25 این گزارش اعلام کرد سند اورانیوم فلزی به آژانس داده شد. در تاریخ 86/12/3 (2008/2/22) طی گزارش (Gov/2008/4) موضوع پلونیوم 210، گچین و آلودگی دانشگاه شریف را نیز (به طور نسبی) بست. در بند 18 برخی از اظهارات ایران در مورد خریدهای دو منظوره (پمپ، مگنت، ماشین بالانس، فلورین، طیف سنج جرمی) را تایید کرد

و پس از ملاقات با رئیس مرکز تحقیقات فیزیک، موضوع خریدهای دو منظوره را منتفی دانست و در بند 53 (Gov/2008/4) اظهار می‌دارد موضوع خریدها دیگر موضوع باقی مانده نیست.

مع الوصف نسبت به این سند بسیار مهم که آژانس آنرا در گزارش خود نیز تایید نمود، دبه در آورد.

چند مورد از نقض تعهدات آژانس را نسبت به این سند به شرح زیر ذکر می‌کنیم:

1/4- در مورد سند اورانیوم فلزی، طبق مدالیتی ایران فقط موظف بود این سند را به آژانس بدهد لذا پس از اینکه آژانس تایید کرد که ایران این تعهد را انجام داده است بایستی این موضوع بسته می‌شد به خصوص که آژانس طی نامه‌ای رسمی به تاریخ 8 نوامبر و 23 نوامبر 2007 اعلام کرده بود این موضوع بسته شده است ولی متأسفانه مجدداً آژانس به آن برگشت. این موضوع را ایران در گزارش توضیحی مورخ اول اکتبر 2008 (infcirc737) افشا کرده است.

2/4- دومین تخلف آژانس از مدالیتی اینست که در مدالیتی گفته شده بود همه اتهامات و ابهامات همین 6-7 موضوع است و موضوع یا سوال دیگری نیست ولی در 26 می 2008 (Gov/2008/15) و در حین مذاکرات آژانس موضوع جدیدی به نام ابعاد احتمالی نظامی (PMD) را اضافه کرد. این تخلف آژانس از تعهداتش را نیز ایران بارها به شورای حکام گزارش کرده است لیکن هیچ گوش شنوایی وجود نداشته است. آژانس با افتخار خودش در (Gov/2008/15; para 14-16) اعتراف کرده است که موضوع ابعاد احتمالی نظامی، علاوه بر مطالعات ادعائی است.

3/4- سومین نقض تعهدات از طرف آژانس، عبارت است از اینکه طبق مدالیتی، قرار بود ایران فقط 6 مورد را پاسخ دهد و در مورد هفتم یعنی مطالعات ادعائی، ایران فقط موظف بود که پس از اینکه آژانس اسنادش را به ایران تحویل (deliver) داد، ارزیابی خود را در باره این اسناد ارائه دهد.

اولاً هنگامی که در ژانویه 2008 ایران صادقانه با آژانس وارد تعامل شد آژانس هیچ سندی به ایران در تاریخ معین (15 سپتامبر 2007) تحویل نداد بلکه تنها در دور چهارم مذاکرات در 25/4/2008 و پس از اصرار ایران تنها فهرست 17 مورد اسناد لیتاپ ادعائی را ارائه داد و 5 صفحه انگلیسی نیز جداگانه به عنوان سند 18 ارائه کرد که ادعا نمود یک منبع دیگر غیر از آمریکا (آلمان) آن را داده است. بلکه آژانس خود نیز اعتراف کرد که کشور دهنده سند (آمریکا) اجازه تحویل اسناد را به ایران نمی‌دهد و از این بابت اظهار تأسف کرد و حتی اظهار داشت ممانعت از دادن اصل یا کپی اسناد به ایران در کار راستی آزمائی آژانس ایجاد مشکل می‌کند (7). (Gov/2009/35; para 23)

ثانیاً طبق مدالیتی قرار نبود هیچ مذاکره‌ای صورت گیرد بلکه قرار بود پس از تحویل اسناد، ایران صرفاً ارزیابی خود را از آنها ارائه دهد. ولی ایران وارد مذاکرات شد و این مذاکرات 7-8 دور (تا ماه اوت 2008) به طول انجامید! لذا پس از مذاکرات دور پنجم بود که ایران براساس فهرستی که آژانس ارائه داده بود و اسنادی که نشان داده بود، ارزیابی خود را طی 117 صفحه در 23 می به آژانس ارائه داد و به تعهد خود عمل نمود.

4/4- چهارمین مورد نقض تعهدات از طرف آژانس که همواره آژانس سعی دارد از آن فرار کند، موضوع عادی شدن پرونده ایران در آژانس است. طبق مدالیتی قرار بود پس از اینکه ایران 6 مورد را مذاکره نمود و ارزیابی خود درباره موضوع هفتم (مطالعات ادعائی) اعلان نمود، پرونده ایران به حالت عادی درآید. ولی نه تنها پرونده را عادی نکرد بلکه روز به روز اوضاع را برای ایران بحرانی‌تر کرد. این در حالی بود که زمان البرادعی آژانس از استقلال بیشتری برخوردار بود ولی زمان آمانو آژانس وابستگی‌اش را به آمریکا به نهایت رساند. دلایل این ادعا در فصل مربوط به وابستگی آژانس می‌آید:

5- رابطه دادستان و متهم!

پس از اینکه آژانس به تعهدات خود ذیل مدالیتی عمل نکرد، ج.ا. ایران از اوت 2008 تا ژانویه 2012 مذاکرات با آژانس را متوقف نمود. پس از گزارش مغرضانه آمانو در نوامبر 2011، از ژانویه 2012 ایران مجبور به از سرگیری مذاکرات با آژانس در خصوص مسائل باقی مانده (معروف به مذاکرات رویکرد ساختارمند یا structured approach) شد این مذاکرات به دلیل عدم توافق بر سر چارچوب، ده دور به مدت دوسال به طول انجامید. در این مذاکرات ایران و آژانس بر سر تعیین چارچوب برای پرداختن به اتهامات، مذاکرات طولانی انجام دادند. دلایل طولانی و بی‌حاصل شدن مذاکرات این بود که آژانس آشکارا به ایران زور می‌گفت. مثالهای این زورگوئی به شرح زیر است:

الف- آژانس موضوع را از حالت فنی به حالت سیاسی درآورد به این دلیل که از ابتدا آمانو به همراه تیم فنی، دستیار ویژه خود (گروسی) را فرستاده بود و او بود که در ارتباط مستقیم با آمانو و آندرو گراهام (موجود مرموز انگلیسی که همه گزارشهای مدیرکل را تنظیم می‌کند و اکنون بازنشسته شده است) تصمیم می‌گرفت مذاکرات باید چگونه باشد و گروسی نیز از اولین جلسه اعلام کرد « ما در مقام دادستان هستیم و ایران در مقام متهم!! ». این سخن گروسی به قدری سخیف بود که نماینده ایران به شدت برآشفته و وی با سکوت، مجبور به پس گرفتن حرف خود شد ولی همین سخن، نشان داد که آژانس نمی‌خواهد موضوع حل شود بلکه تنها به دنبال متهم کردن ایران است.

ب- آژانس حاضر نبود که در این مدالیتی جدید هیچ تعهدی بدهد و آشکارا اظهار می‌داشت که « در سند 711 سر آژانس کلاه رفته است که تعهد به دادن سند، بستن پرونده و عادی کردن پرونده ایران داده بود ». یک خانم آمریکائی به نام «لورا راک وود» به عنوان مسئول حقوقی آژانس به همراه تیم بود که در پیش‌نویس توافق نامه جملات زیر را اضافه کرد:

«ایران موافقت کرد که برای حل همه اتهامات وارد شده در گزارش نوامبر 2011 (شامل بند 65) با آژانس همکاری نماید.

- این همکاری شامل بازرسی، جلسات از جمله جلسات فنی، بازدید، دسترسی به اطلاعات، اسناد، سایت‌ها، مواد و اشخاص

می‌باشد.

-آژانس به ایران توضیحات و سوالات خود را در باره موارد نگرانی و اتهامات به ایران ارائه می‌دهد و اگر لازم باشد، سندی نیز ارائه می‌کند.

- پس از دریافت پاسخ‌های ایران به سوالات و خواسته‌های آژانس (شامل دسترسی به مراکز نظامی) آژانس این پاسخ‌ها را آنالیز می‌کند سپس ممکن است اقدامات دیگری از ایران درخواست کند و درباره نحوه اجرای این خواسته‌ها با ایران مشورت می‌کند. اگر ایران قادر نباشد روش اجرای خواسته‌های آژانس را عمل نماید، باید ایران هر تلاش معقولی را برای راضی کردن آژانس بدون تاخیر از روش دیگری به کاربرد. سپس آژانس در باره هر دسته از فعالیت‌ها پس از قانع شدن، نتیجه‌گیری می‌کند و به شورای حکام گزارش می‌کند.»

ملاحظه می‌گردد که درخواست‌های آژانس صد در صد یک طرفه بود یعنی گویا با یک دولت شکست خورده طرف بودند که ایران موظف است به اتهامات آنها بدون ارائه سند پاسخ دهد و آژانس هم باید راضی شود. تازه بعد از قانع شدن آژانس یک پله دیگر مبنی بر قانع شدن شورای حکام نیز پیش‌بینی شده است تا اگر مانند مدالیتی قبلی آژانس قولی داد، شورای حکام (آمریکا و متحدانش) نفی نمایند.

لازم به توضیح است که آژانس برای شروع این مذاکرات هیچ مبنای حقوقی نداشت (یعنی نه براساس پادمان و نه براساس پروتکل چنین اختیاری نداشت که فراتر از تعهدات ایران و فراتر از اختیارات آژانس عمل کند و این رابارها اعلام کرده بود). لذا تنها مجوز قانونی که می‌توانست داشته باشد، موافقت ایران بود یعنی ایران قبول کند که آژانس حق داشته باشد «به همه اسناد، سایت‌ها، افراد و تجهیزات نظامی دسترسی داشته باشد!»

در ابتدا نیز از ایران خواستند که هیچ اشاره‌ای به مدالیتی 2007 (infcirc/711) نشود! معلوم بود که آژانس با استراتژی جدیدی به میدان آمده است و آن این بود که با عدم اشاره به مدالیتی 711، در حقیقت می‌خواست تنها برگ برنده ایران را بگیرد. برگ برنده ایران در مدالیتی 711 این بود که در آن مدالیتی آژانس متعهد شده بود اولاً همه موضوعات باقی مانده همان‌هاست که در آن مدالیتی ذکر شده بود ثانیاً بعد از اتمام مدالیتی، پرونده ایران عادی شود. ایران همواره به این مدالیتی اشاره میکرد و از اینکه آن نقض شده است شکوه می‌کرد و آژانس نیز هیچ دفاعی نمی‌توانست بکند. حال می‌خواست با تدوین یک برنامه کاری جدید به نام رهیافت سازماندهی شده (structured approach) و بدون ذکر از مدالیتی 711 از شر آن مدالیتی راحت شود!

6- چاشنی‌های انفجاری و شرافت آژانس!

پس از شکست مذاکرات «رهیافت ساختار مند»، در زمان دکتر روحانی آمانو به ایران آمد و اعلان کرد که حاضر است با رویکرد جدید و به منظور حل مسائل باقی مانده، با ایران مذاکره کند و یک توافقنامه با دکتر صالحی امضا کرد. در این توافقنامه، ایران و آژانس متعهد به «حل و فصل همه موضوعات کنونی و گذشته» شده‌اند که منظور از موضوعات گذشته، اتهامات مربوط به ابعاد احتمالی نظامی است. همچنین قرار شده است به این اتهامات به صورت گام به گام پرداخته شود یعنی تا یک موضوع بسته نشده است، وارد موضوع دیگر نشویم. همچنین در این توافقنامه، تنها دسترسی به اطلاعات پیش‌بینی شده است و نه دسترسی به سایت‌ها.

بر اساس این توافق نامه، گام اول انجام شد و آژانس برای گام دوم، در خواست چند اقدام دیگر از جمله موضوع چاشنی‌های انفجاری معروف به EBW شد. ایران همه اسناد و اطلاعاتی که آژانس در این مورد می‌خواست را طبق توافق در اختیار آژانس قرار داد.

پس از همکاری گسترده ایران در این خصوص، آقای ترو رئیس تیم آژانس و معاون آمانو اظهار نمود: ما در گزارش خواهیم نوشت: براساس آنالیز اطلاعات داده شده توسط ایران، آژانس هیچ موضوع باقی مانده‌ای در این خصوص (EBW) شناسایی نکرده است.

ولی آژانس مجدداً زیر قول خود زد و از بستن پرونده خودداری کرد و در گزارش خود به شورای حکام در تاریخ 20 فوریه 2014 (Gov/2014/10) در خصوص مذاکرات EBW، در بند 65 ضمن اشاره به توافق ایران و آژانس برای پرداختن به موضوع EBW در پاورقی بند 65 نوشت:

The Agency's need to clarify Iran's possible activities in relation to exploding bridgewire 41 detonators is set out in Gov/2011/65, Annex, Section C.

که این پاورقی اشاره به کل اتهامات در این خصوص از جمله موضوع می‌کند که این خلاف توافق ما با آژانس بود. در توافق با آژانس قرار شده بود فقط درباره «نیاز یا کاربرد EBW» ایران توضیح دهد. ایران به این موضوع اعتراض کرد و ادامه مذاکرات را منوط به اصلاح گزارش نمود.

در تاریخ 23 می 2014 (93/3/2) گزارش بعدی آمانو تحت نام Gov/2014/28 منتشر شد.

در بند 53 تا 57 ضمن تکرار اتهامات گذشته از جمله اشاره مجدد در پاورقی به Gov/2011/65, annex, section C مجدداً اتهامات مربوط به ابعاد احتمالی نظامی و دسترسی به همه سایتها و افراد و اسناد به هر نحو که آژانس تشخیص دهد را مطرح کرد تو گوئی اصلاً توافقی برای حل این اتهامات با ما امضا نکرده است. سپس در باره مذاکرات در باره چاشنی

انفجاری نوشت:

56. «در نشست فنی مورخ 26 آوریل 2014 و طی نامه‌ای به تاریخ 30 آوریل 2014، ایران اطلاعات و توضیحاتی را به منظور ارزیابی نیاز یا کاربری اعلامی ایران جهت توسعه EBW به آژانس ارائه نمود. در یک نشست فنی در تهران در تاریخ 20 مه 2014، در پاسخ به درخواست آژانس، ایران اطلاعات و توضیحات بیشتری از جمله نشان دادن اسناد، را به منظور اثبات نیاز یا کاربری اعلام شده جهت توسعه EBW فراهم نمود. ایران اطلاعاتی را به آژانس نشان داد مبنی بر اینکه انفجار EBW جهت آزمایش برای یک کاربری غیرنظامی بوده است. از سال 2008 این نخستین بار است که ایران در یک تبادل فنی در این موضوع یا سایر موضوعات باقی مانده مرتبط با ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران وارد تعامل با آژانس شده است. ارزیابی آژانس از اطلاعات فراهم شده توسط ایران در جریان می‌باشد.

57. همانگونه که در نشست فنی مورخ 26 آوریل در تهران به ایران گفته شد، لازم است آژانس قادر گردد یک ارزیابی سیستمی از موضوعات باقی مانده مندرج در ضمیمه گزارش نوامبر 2011 مدیرکل (GOV/2011/65) انجام دهد. این مستلزم بررسی و به دست آوردن درکی از هر موضوع در جای خودش است (که EBW یکی از آنهاست) و سپس همه موضوعات را با یکدیگر در یک سیستم قرار داده و آن سیستم را به عنوان یک مجموعه ارزیابی نماید.»

لذا آژانس دو بار تعهد جدید را نقض کرد اول اینکه برخلاف توافقنامه، موضوع را نسبت دوم اینکه باب یک کلک دیگر به نام «ارزیابی سیستمی» را باز کرد. از آنجا که «ارزیابی سیستمی» در توافقنامه با آمانو پیش بینی نشده بود و قرار بود که گام به گام موضوع بسته شود، ایران به این عهد شکنی آژانس اعتراض کرد. این اعتراض در قالب سند آژانس به نام infcirc 866 مورخ 13 ژوئن 2014 منتشر گردید

در این رابطه همچنین ابتدا نجفی (سفیر ایران در آژانس) و سپس عراقچی با ترو (معاون آمانو) و آمانو ملاقات کردند و اعتراض نمودند.

ترو اظهار شرمندگی کرد ولی آمانو در پاسخ اینکه عراقچی به وی گفته بود که در تهران بین معاون شما و نمایندگان ایران یک توافق شرافتمندانه (gentleman agreement) شده بود که این موضوع بسته شود، اظهار داشت که در آژانس فقط یک شرافتمند (gentleman) وجود دارد و آن من هستم! و آقای عراقچی به وی گفته بود پس منبع خود شما به ایران بیاید و بحث کنید! و تا این بحث بسته نشود ایران حاضر نیست وارد فاز سوم شود.

پس از آن در ژوئن 2014 ( خرداد 93) در حاشیه مذاکرات وین 5 آقای دکتر ظریف با آمانو ملاقات کرد و چون آمانو همان پاسخی را که به عراقچی داده بود؛ به ایشان نیز تکرار کرد، دکتر ظریف عصبانی شد و جلسه با تلخی تمام شد. این نحوه برخورد آمانو به ایران بهانه داد تا اینکه وقتی فرانسه و دیگران اعتراض کردند که چرا کار مذاکرات PMD به کندی پیش می‌رود، ایران اظهار نماید که مقصر آژانس است و قرار شد اشتون و دیگران در این باب به آمانو تذکر دهند لیکن به نظر می‌رسد آمانو تا چراغ سبز آمریکا را نداشته باشد موضوع را نخواهد بست.

سپس تیم آژانس مجدداً در تاریخ 25-26 مرداد به ایران آمد. از آنجا که قرار بود آمانو نیز برای بستن موضوع به ایران بیاید، درباره نحوه بستن موضوع بحث شدیدی در گرفت به نحوی که با تیم آژانس اعلان شد اگر موضوع را نبندید، آمانو لازم نیست به ایران بیاید. لذا آژانس از یک طرف به آمریکا قول داده بود که موضوع را نبندد و از طرف دیگر به ما قول مساعد داده بود. با توجه به این امر آژانس یک فرمول بینابینی پیدا کرد و موضوع را به اصطلاح خودش نیم‌بند بست تا در ارزیابی سیستمی آن را ببندد 8 پس از آن بود که آمانو به ایران آمد و در حضور وی گام سوم ( انفجار قوی و محاسبات نوترونی) 9 با تاخیر چند ماهه تعریف شد. (این تاخیر همانگونه که ذکر شد تقصیر آژانس بوده است).

هرچند این نحوه بستن موضوع چاشنی‌های انفجاری، نقض تعهدات توسط آژانس بوده است و هم اینکه باب را برای انقلا بعدی آژانس باز گذاشته است ( به طوری که رویترز در آستانه مهلت دهم تیر 94 برای توافق بین ایران و 5+1 از قول دیپلمات‌ها مجدداً این موضوع را دامن زده است)، مع الوصف ایران حاضر شد باز هم حسن نیت نشان دهد و مذاکرات را ادامه دهد.

نقض مجدد تعهدات در موضوع انفجار قوی و محاسبات نوترونی:

در تاریخ‌های 9 شهریور 93 (31 اوت 2014)، 15 و 16 مهر 93، 11 آبان 93 (2 نوامبر 2014) ایران با آژانس ملاقات نمود. در این جلسات، آژانس در خصوص انفجار قوی، دو اتهام عمده متوجه ایران کرده بود. اول اینکه ایران در میوان آزمایش انفجار قوی برای سلاح هسته‌ای انجام داده است و دوم اینکه ایران سندی در اختیار دارد (معروف به سند 18) که طبق آن ایران آزمایش سلاح هسته‌ای را طراحی کرده است. در باره موضوع محاسبات نیز آژانس چند مقاله از شهید شهریار و دیگران که به زبان انگلیسی در نشریات علمی آمریکا و ایران منتشر کرده بودند را ملاک قرار داده بود مبنی بر اینکه ایران به محاسبات نوترونی برای سلاح هسته‌ای پرداخته است. ایران طی چند پاور پوینت با دهها دلیل ثابت کرد ادعاهای آژانس بی‌پایه است. در خصوص سند 18 ایران با 10 دلیل از جمله از قول آژانس ثابت کرد که این سند قلابی است و اصالت ندارد.

ایران از آژانس خواست که اتهام میوان را ثابت کند. آژانس پاسخ داد که هیچ دلیلی برای اثبات ادعای خود ندارد بلکه فقط اطلاعاتی از یک کشور عضو (آمریکا) دارد. ایران پس از چالش فراوان از آژانس خواست حالا که هیچ سند یا اطلاعاتی دیگر ندارد باید موضوع را در گزارش آمانو تکذیب نماید.

در تاریخ جمعه 16 آبان (7 نوامبر) گزارش آمانو منتشر شد (Gov/2015/58) مدیرکل آژانس در گزارش نوامبر 2014 خود که روز جمعه 16 آبان 93 منتشر شده است؛ به موضوع PMD نیز پرداخته است.

الف) در این خصوص، وی در بخش اول گزارش تحت عنوان « تحولات عمده » آورده است: « ایران هیچ توضیحی که آژانس را قادر به روشن سازی اقدامات عملی باقیمانده کند؛ ارائه نداده است\*1 و همچنین هیچ گونه اقدام عملی جدیدی در گام بعدی چارچوب همکاری ارائه نکرده است.»

پس از آن دو دور دیگر از جمله در تاریخ 94/1/26 مذاکرات با آژانس در دوموضوع فوق ادامه یافت. در خصوص موضوع محاسبات نوترونی مجدداً ایران برای آنها توضیح داد ولی آژانس دو مقاله دیگر از دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه بوعلی را به ایران ارائه داد تا ایران توضیح دهد و تویحا اظهار داشت که در صورت توضیحات ایران در جلسه بعد، این موضوع نیز به نحوی بسته خواهد شد.

در باره موضوع انفجار قوی آژانس برای اولین بار اعتراف کرد که سند 18 توسط آژانس تهیه شده است (این سند مهمترین سند آژانس در باره اتهام به ایران در خصوص انجام انفجار قوی برای آزمایش نیم کره هسته‌ای بود). این اعتراف نشان‌دهنده صدق گفتار ایران مبنی بر اینکه این سند متعلق به ایران نیست می‌باشد لذا راه را باز نمود تا این موضوع در صورت وجود اراده سیاسی بسته شود.

پس از آن ایران اظهار نمود که اگر آژانس آمادگی برای بستن این دو موضوع داشته باشد، ایران آماده است که جلسه بعد را به آژانس اطلاع دهد. آژانس پس از تماس با آمانو، این موضوع را قبول کرد.

لیکن در گزارش بعدی (می 2015) آمانو باز هم خلف وعده کرد و نه اشاره‌ای به اینکه درموضوع مریوان آمریکا اطلاعات غلط به آژانس داده است شد و نه اشاره به اعتراف بسیار مهم آژانس مبنی بر اینکه موضوع سند 18 ربطی به ایران ندارد و ساخته و پرداخته خود آژانس است شد. چون اگر چنین اعترافاتی را می‌کرد، کل گزارش نوامبر 2011 و اتهامات آژانس بر باد می‌رفت. تنها در بند 67 اشاره‌ای نسبتاً مثبت به این مذاکرات شده است به شرح زیر:

67. « همچنین همانطور که در بالا (پاراگراف 9) اشاره شد، از زمان انتشار گزارش پیشین مدیرکل آژانس، مقامات ایرانی و آژانس مذاکرات بیشتری را در خصوص 2 اقدام عملی مورد توافق در ماه مه 2014 تحت سومین گام از چهارچوب همکاری که باید اجرا می‌شد، برگزار کرده‌اند. ایران اطلاعاتی را در ارتباط با یکی از این اقدامات در اختیار آژانس قرار داد. آژانس و ایران توافق کردند که به گفت‌وگوها درباره این اقدامات عملی ادامه داده و مجدداً در آینده نزدیک دیدار داشته باشند.»

7- دلایل وابستگی مطلق آژانس در زمان آمانو هرچند براساس مطالب فوق الذکر، وابستگی و ناعادلانه بودن رفتار آژانس در زمان البرادعی نیز وجود داشت، لیکن بنا به شواهد متعدد، البرادعی تا آنجا که توان داشت در استقلال آژانس کوشید و به همین دلیل نیز از کار برکنار شد و به جایش یک نوکر تمام عیار به نام آمانو سر کار آمد که اسناد ویکی لیکس نیز این را تایید می‌کند. ذیلاً برخی از این شواهد را ذکر می‌کنیم:

1/7- عدم گزارش اعترافات قبلی و یا تغییر دادن نحوه گزارش نسبت به قبل:  
آمانو از ابتدای روی کار آمدن، (ژانویه 2010) در هیچیک از گزارشهایش اعترافات البرادعی را در خصوص فقدان سندی دال بر وجود مواد هسته‌ای و یا حتی مطالعات فیزیک در اسناد مطالعات ادعائی، فقدان هیچگونه اطلاعات در خصوص اجزاء هسته‌ای برای سلاح هسته‌ای، عدم تأیید اصالت اسناد، عدم همکاری آمریکا در دادن اسناد به ایران، بسته شدن موضوع پارچین... منعکس نکرد.

- همچنین اعتراف ناکارترس مبنی بر فقدان ارتباط بین موضوع نمک سبز و دو موضوع دیگر (که این اعتراف، نقض ادعای آژانس مبنی بر اینکه اسناد مطالعات ادعائی با هم همخوانی دارند، می‌باشد) را منعکس نکرد. البته البرادعی نیز این اعتراف را متأسفانه منعکس نکرده بود.

ازطرف دیگر- آمانو از اولین گزارشی که داد، گزارش‌های البرادعی را تغییر داد. مثلاً در اولین گزارش خود در فوریه 2010 اولین موضع گیری را در خصوص کلاهک هسته‌ای ایران نمود: گزارش Gov/2010/10 در بند 41 اظهار می‌دارد: این اسناد (اسناد مطالعات ادعائی) سبب نگرانی آژانس از فعالیت‌های حال و گذشته در خصوص توسعه یک کلاهک هسته‌ای می‌باشد.

در حالی که البرادعی هرگز چنین ادعائی را مطرح نکرد. در گزارش‌های البرادعی در خصوص کلاهک هسته‌ای جمله بندی کلاً متفاوت بود: از جمله در Gov/2008/38 بند 17 (e) می‌گوید: آژانس قصد دارد با ایران بر روی اسناد مطالعات ادعائی در خصوص کلاهک موشک مذاکره کند که آیا این مطالعات در باره کلاهک عادی بوده یا هسته‌ای؟. سپس در بند 19 گزارش Gov/2009/55 می‌گوید اصالت این اسناد برای آژانس معلوم نیست. چگونه می‌شود که یک مدیر کل از اسناد مطالعات ادعائی نتواند نتیجه‌گیری کند ولی دیگری چنین توانائی را داشته باشد؟ این در حالی است که اسناد مطالعات ادعائی از 2005 تا کنون تغییر نکرده است بلکه آنچه بنا به گفته آژانس تغییر کرده است، ادعاهای جدید است.

2/6- تکذیب ادعاهای آمریکا توسط آژانس:

در زمان البرادعی، در تاریخ 14 سپتامبر 2006 (23 شهریور 85) بخش حقوقی آژانس، گزارش 23 اوت مجلس نمایندگان آمریکا مبنی بر اینکه ایران در تاسیسات غنی‌سازی خود اورانیوم weapon grade تهیه می‌کند را گمراه‌کننده، فریبکارانه، اهانت آمیز، نادرست، غلط و بی‌پایه

آمریکا اتهامات زیادی به ایران وارد کرده و می‌کند، چنین ادبیاتی هرگز زمان آمانو از طرف آژانس به کار نرفته و نخواهد رفت.

3/6- اتهام آمریکا و اسرائیل به البرادعی در خصوص عدم انتشار اطلاعات PMD به صورت annex: در 19 اوت 2009 روزنامه هآرتس نوشت که «مقامات اسرائیل و دیپلمات‌های غربی آژانس را متهم می‌کنند که شواهد فعالیت‌های تحقیقات سلاح هسته‌ای ایران را مخفی می‌کند و امیدواریم در گزارش جدید این حقایق منتشر شوند». در 26 اوت نیز نیویورک تایمز نوشت «آمریکا، فرانسه، آلمان و انگلیس به آژانس فشار می‌آورند که اطلاعات خود را کاملاً افشا کند از جمله فایل‌های کامپیوتری و سایر مدارک شامل تغییر شهاب 3 برای حمل کلاهک هسته‌ای.»

این فشارها و اتهامات باعث شد البرادعی در اجلاس 7 سپتامبر 2009 شورای حکام طی نطق افتتاحیه از اتهامات آمریکا مبنی بر مضایقه از دادن اطلاعات به شورای حکام اظهار ناخرسندی کند. وی اظهار داشت: «من به خاطر ادعاهای برخی کشورهای عضو که به رسانه‌ها انتقال داده شده است مبنی بر اینکه این اطلاعات از شورای حکام دریغ شده، ناخرسند شدم. این ادعاها دارای انگیزه سیاسی و بی‌پایه می‌باشد. این‌گونه اقدامات به منظور تاثیرگذاری بر کار دبیرخانه و تضعیف استقلال و بی‌طرفی آن و ناقض ماده 7(f) اساسنامه می‌باشند و بایستی بی‌درنگ متوقف شوند.»

سپس در نطق روز 9 سپتامبر نمود مجدداً موضوع را شکافت. دلیل این تهاجم این بود که آمریکا و رژیم صهیونیستی به البرادعی فشار می‌آوردند که اسناد معروف به ابعاد احتمالی نظامی (PMD) را منتشر کند.

هرچند البرادعی استقلال خود را نسبتاً حفظ کرد و ارزیابی این اتهامات را که هاتچینسون تهیه کرده بود به دلیل اینکه می‌دانست اصالت ندارند در پیوست گزارش خود منتشر نکرد ولی متأسفانه آمانو- که طبق اسناد ویکی لیکس فقط از آمریکا اجازه می‌گرفت- این کار را در نوامبر 2011 کرد و به اتهامات، سندیت داد.

ج- استناد به منافقین:

آژانس در چندین مورد به اطلاعات منافقین استناد کرده است.

1- اولین بار در مورد کلاه‌دوز بود که خوشبختانه باعث آبروریزی برای آژانس شد به نحوی که کلود بازرس فرانسوی در جلسه‌ای گفت: پس از غلط در آمدن اطلاعات منافقین، در آژانس هاینون را بسیار سرزنش کردند.

2- مورد دیگر استناد به اطلاعات منافقین در خصوص اینکه جلسه سری بین سران جمهوری اسلامی در خصوص سلاح هسته‌ای در سال 1984 بوده که آژانس در تاریخ 9 می 2008 از ایران سوال کرد ( رفرانس: Gov/2008/15; B.2) که ایران پاسخ داد و آن را تکذیب کرد و آژانس پی آن را نگرفت.

3- سومین مورد استناد هاتچینسون (جاسوس انگلیسی که به نام بازرس به ایران آمده بود) بود که در تاریخ 12-14 می 2008 طی نامه‌ای از ایران خواست به اتهام علیرضا جعفرزاده (سخنگوی منافقین) علیه ایران در خصوص مشارکت دکتر فریدون عباسی در پروژه مولد نوترون جواب دهد! که ایران به استناد کردن به یک گروه تروریستی ضد ایرانی اعتراض کرد.

4- در مذاکرات 2012 آژانس بارها اعلام کرد که اطلاعات خود در باره پارچین را از افراد ایرانی گرفته است.

7- دلایل دیگر بی‌اعتمادی به آژانس:

7-1/پیشداوری و نشان دادن بی‌فایده بودن همکاری:

بخش نظامی ج.ا.ا. علیرغم آنکه اساساً هیچ تعهدی نسبت به همکاری با آژانس نداشته است، بنا به درخواست شورای عالی امنیت ملی همکاری وسیعی (11) با آژانس به عمل آورد. هرچند در برخی از موارد این همکاری‌ها منجر به اعتراف آژانس به غلط بودن اطلاعات وی شده است، لیکن بعداً آژانس این اعترافات را نادیده گرفت و حتی اذعان کرد که در این همکاری‌ها نتایج خوبی به دست نیامده و بیشتر باعث شک وی شده است!! و نشان داده است که همکاری با وی بی‌فایده است. نمونه بارز آن در بند 15 پیوست گزارش نوامبر 2011 است که گفته است: «همکاری‌ها از جمله در مورد لویزان، به جای کم کردن نگرانی، باعث افزایش نگرانی شده است! این در حالی است که همانگونه که قبلاً ذکر شد، زمان البرادعی از همکاری در مورد لویزان تشکر کرده و موضوع تخریب لویزان را حل شده تلقی کرده بود.

7-2/جاسوسی آژانس:

- نتیجه همکاری‌های ج.ا.ا. با آژانس این بود که مراکز حساس، مورد شناسائی، بازدید و مورد تحریم شورای امنیت یا اتحادیه اروپا و یا تحریم‌های یکجانبه قرار گرفتند (مانند کارخانجات 7 تیر، کاوه و صنایع 12). حتی بازرسان به کارخانجات مجاور محل بازرسی نیز رحم نکردند و نام آنها را برای تحریم افشا کردند. به عنوان مثال در مجاورت کارخانه کاوه، یک کارخانه کولرسازی به نام امین بود که بعد از شناسائی از طرف آژانس، مشمول تحریم قطعنامه 1929 شد و در تاریخ 88/1/18 توسط وزارت خزانه داری آمریکا مورد تحریم قرار گرفت! هیچگاه نیز مورد اعتراض هیچ‌کس (از جمله روسیه و چین که خود را حامی ما می‌دانند) قرار نگرفت که کولرسازی چه ربطی به سانتریفوژ دارد! یا اینکه در طول مذاکرات مربوط به مطالعات ادعائی در سال 2008، ایران داوطلبانه نام یک شرکت صددرصد خصوصی را با کلیه مشخصات به آژانس داد که

برای سایت بندر عباس یک دستگاه کنترل فرایند اتوماتیک ساخته بود. این شرکت در تاریخ 29 فوریه 2009 توسط وزارت بازرگانی انگلستان مورد تحریم قرار گرفت!

3/7- در مذاکرات با آژانس، بارها آژانس درخواست آدرس مراکز نظامی و نام و نشان افراد را می‌کرد. به عنوان مثال هاتچینسون (جاسوس انگلیسی که به نام بازرس به ایران آمده بود) طی یک نامه از ایران خواست که آدرس مراکز نظامی ساخت سلاحهای متعارف به وی داده شود (پیوست نامه آژانس 14 فوریه 2008) که ایران طی نامه‌ای به البرادعی در تاریخ 87/6/13 به آن اعتراض کرد. حتی هنگام مذاکرات structured approach، آژانس طی سوالات کتبی نام افراد و مراکز نظامی را درخواست کرد که با توجه به ترورهای انجام شده مورد اعتراض ایران قرار گرفت.

4/7- موارد متعددی از افشای اطلاعات ایران توسط آژانس وجود دارد (که بارها نیز مورد اعتراض ایران قرار گرفت). علاوه بر این ارتباط معنی‌داری بین آژانس، گروه‌های تروریستی و رژیم صهیونیستی علیه ایران برقرار است. به عنوان مثال هآرتص نیز به اطلاعات مربوط به لپ تاپ از جمله فیلمی که آژانس در این رابطه در جلسه محرمانه توجیه فنی شورای حکام نشان داده دسترسی داشته است (هآرتص بتاريخ 16 اکتبر 2009 به نام YOSSI MELMAN فیلم ویدئویی 2 دقیقه‌ای اشاره می‌کند).

این یعنی که روزنامه‌نگاران غربی و طرفدار اسرائیل به اسناد سری آژانس به راحتی دسترسی دارند. در سند دیگر (مقاله 2 نوامبر 2009 اشپیگل) نیز علاوه به اشارات متعدد به دسترسی به اسناد آژانس، شرح ملاقات روزنامه‌نگار اشپیگل را با هاینون می‌دهد.

این‌گونه مستندات باعث شده است تا ج.ا.ایران به این اعتقاد برسد که منشاء ترور دانشمندان ایران دسترسی تروریست‌ها به اسناد آژانس می‌باشد.

5/7- مجله اشپیگل در شماره (17 ژوئن 2010) از ارتباط هاینون با سازمان جاسوسی سیا پرده بر می‌دارد و فاش می‌کند که سیا اسناد مطالعات ادعائی را اولین بار به جای اینکه بطور رسمی به آژانس تحویل دهد، داخل یک کافه در وین در بیرون از مقر آژانس در تاریخ ماه می 2005، به هاینون می‌دهد. (6 ماه قبل از این تاریخ یعنی در نوامبر 2004 وزیر خارجه وقت آمریکا «کالین پاول» از وجود چنین اسنادی پرده برداشته بود). این نشان‌دهنده آنست که سازمان جاسوسی سیا عواملی داخل آژانس داشته است که قبل از ارائه رسمی هرگونه اطلاعاتی، با آنها مشورت و چک می‌کند. نتیجه اینکه آژانس، وظیفه جاسوسی را به عهده داشت تا تشکیلات حساس از جمله تشکیلات نظامی و همکاران آنرا برای اقدامات خصمانه بعدی شناسائی کند.

این گزارش گوشه‌ای از اسنادی است که نشان می‌دهد چرا اعتماد به آژانس و بی‌طرف دانستن آن عاقلانه نبوده و برخلاف امنیت ملی کشور است.

1- به عنوان مثال در گزارش نوامبر 2005، اجرای پروتکل را تحت بند A4 ذکر کرد و «مذاکرات و بازدیدهای شفاف ساز» را تحت بند A5 ذکر کرد و تحت این بند، بازدید دوم از پارچین را نوشت و اعتراف کرد که در آنجا هیچ فعالیت غیرمعمول یافت نشد

2- آقای دکتر روحانی در صفحه 341 کتاب خود در این زمینه می‌نویسد: «مورد جدید، فشار آژانس برای بازدید از پارچین بود. جو داخل کشور به شدت با بازدید بازرسان از پارچین و کلا مراکز نظامی مخالف بود، مقام معظم رهبری نیز موافق نبودند. در نهایت اجماع داخلی برای بازدید از پارچین حاصل شد با این شرط که از دو نقطه، نمونه‌گیری کنند و مقررات حفاظتی هم شدیداً اجرا شود»

3- لازم به ذکر است که قبل از مجوز بازرسی و قبل از رفتن به وین آقای ناصری از طرف آژانس پیام آورده بود مبنی بر اینکه در صورت مجوز بازدید از پارچین کل پرونده مسائل باقی مانده نظامی بسته خواهد شد. این موضوع در گزارش‌های ایشان نیز به چشم می‌خورد.

4 - آژانس در بند 41 (Gov/2005/67) اعتراف می‌کند که ایران دسترسی آزاد به ساختمانهای انتخاب شده به آژانس داد و آژانس نمونه‌برداری کرد و هیچ تجهیزات دو منظوره و مواد هسته‌ای در آن نیافت.

5- در تاریخ 27 فوریه 2006 پس از منفي بودن نتیجه نمونه‌ها مدیر کل نوشت: «در اول نوامبر 2005 به آژانس اجازه دسترسی به يك مركز نظامي در پارچين داده شد. چندین نمونه محیطی برداشته شد. آژانس هیچ فعالیت غیر معمول در این ساختمان‌ها مشاهده نمود و در نتیجه آزمایش‌های محیطی هیچ‌گونه مواد هسته‌ای را نشان نداد.» (،) para32 (GOV/2005/15)

6- این تجربیات بود که ایران را مجبور کرد در مذاکرات 2012 الا و لابد از آژانس بخواهد که قبل از هرگونه مذاکرات، آژانس باید حد و حدود سوالات را مشخص کند ولی آژانس با زرنگی در مذاکرات سالهای 2012 و 2013 (معروف به مذاکرات رویکرد ساختارمند) هرگز حاضر نشد که در مدالیتی جدید بنویسد «به غیر از این سوالات، هیچ سوال دیگری نیست».

7- همچنین آژانس اعتراف کرد که نمی‌تواند اصالت این اسناد را تایید کند (gov/2009/55;para19) لذا آژانس تنها برخی از این اسناد را به ایران نشان داد. علیرغم این اعتراف متاسفانه آژانس با بی‌صدقتی تمام این اسناد را در تاریخ 25 فوریه 2008 برای اعضای شورای حکام نمایش داد و این ادعاها را به قدرکافی قابل قبول دانست. اینها به خوبی نشان‌دهنده



مظلومیت ایران و زورگوئی‌های آژانس است. به همین دلایل است که هرگز به آژانس نمی‌توان اعتماد نمود.

8- فرمول آژانس که در گزارش نیز آورد به شرح زیر است:

«ایران اطلاعات و توضیحاتی را به آژانس مبنی بر تصمیم ایران در اوایل 2000 برای توسعه چاشنی‌های مطمئن‌تر ارائه نمود. ایران همچنین اطلاعات و توضیحاتی به آژانس در مورد کارهایش بعد از 2007 که مرتبط به کاربرد EBWها در صنعت نفت و گاز بود، ارائه داد که غیرمنطبق با فعالیت‌های صنایع اختصاصی نمی‌باشد.»

9-1 «تبادل اطلاعات با آژانس در خصوص اتهامات مربوط به آغاز انفجار قوی، شامل هدایت آزمایش انفجاری در سطح وسیع در ایران

2- 9 ارائه اطلاعات مرضی طرفین و توضیحات مرتبط با مطالعات انجام شده و/یا مقالات منتشر شده در ایران در رابطه با ترابرد نوترون و مدل و محاسبات مربوطه و کاربرد اتهامی در مواد فشرده شده.»

10- علت نام گذاری سند 18 به این دلیل است که در سال 2008 آژانس فهرست 17 سند را از لپ‌تاپ ادعائی آمریکا به ایران ارائه داد و یک سند دیگر که به زبان انگلیسی بود را در 5 صفحه به ایران تحویل داد و گفت این سند از یک کشور دیگر (آلمان) است لذا به سند 18 معروف شد. آژانس از ایران خواست در باره این طراحی توضیح دهد!! ایران در مذاکرات 2008 پاسخ داد که وقتی سندی به زبان انگلیسی که متعلق به ایران نیست چرا باید ایران توضیح دهد؟ از آن پس تاکنون آژانس از ایران می‌خواهد که در پاسخ خود تجدید نظر کند!! (یعنی قبول کند این طراحی مربوط به ایران است و قبول کند که مربوط به آزمایش سلاح هسته‌ای است و توضیح دهد چرا چنین آزمایشی کرده است!!).

\* ایران 94 صفحه پاورپوینت به آژانس ارائه کرد و آژانس هیچ پاسخ منطقی در برابر توضیحات ایران نداشت بلکه کاملاً سیاسی برخورد کرد. برای نمونه آژانس در موضوع مریوان حاضر نشد قبول کند که در این رابطه اشتباه کرده است و یا در مورد مقالات شهید شهبازی، دلیلی ارائه نکرد که این مقالات در راستای توسعه سلاح هسته‌ای است.

11- نمونه این همکاری‌ها به شرح زیر است:

حدود 32 باردسترسی به سایت‌های نظامی یا سایت‌هایی که منتسب یا مرتبط با خریدهای بخش نظامی بودند

- (با توجه به اینکه در هر دسترسی، چند نقطه رابازدید و یا نمونه‌برداری می‌کردند، جمعاً بیش از 70 محل مورد بازرسی قرار گرفت)

- و طی این دسترسی‌ها نیز مذاکراتی انجام می‌داد و اطلاعاتی در اختیار آژانس قرار می‌داد

- در بازرسی از سایت‌های نظامی، بیش از 244 نمونه محیطی برداشته شد که نتایج همه آنها صدق گفتار ایران را ثابت کرد.

- بیش از 10 بار با آژانس در خصوص اقلام دو منظوره مذاکره شد

- ضمن اینکه هنگام تعلیق، سایت‌های نظامی سازنده قطعات سانتریفیوژ نیز تعلیق شدند و مورد راستی آزمائی تعلیق قرار گرفتند.

- اظهار نامه پروتکل الحاقی در خصوص روتورهای ساخته شده در بخش نظامی نیز برای آژانس ارسال شد.

12 - علی‌رغم اینکه ایران از آژانس خواسته بود که نام صنایع بازرسی شده افشا نشود ولی در همان روزها روزنامه‌های غربی آنرا افشا کردند که هیچ منبع دیگری غیر از آژانس نمی‌توانست منشأ آن باشد. مانند خبر خبرگزاری فرانسه

19 دسامبر 2005 و روزنامه پروسه اتریش (این موضوعات طی گزارش 117 صفحه‌ای ایران به آژانس، اعتراض شد)